

(مقاله پژوهشی)

تحلیل الگوی کنش فعالان زن در احزاب و سمن‌ها طی دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی

مرضیه سمائی صحنه سرائی^۱، دکتر رحیم خستو^{۲*}، دکتر سعید مقیمی^۳

چکیده

زن، به‌عنوان نیمی از شهروندان جامعه، در صورت به‌رسمیت شناختن حقوق برابری با مردان، می‌تواند نقشی کاربردی و اساسی در توسعه پایدار ایفا کند. نهادها و سازمان‌های مدنی همچون احزاب و سمن‌ها نقش مؤثری در توسعه سیاسی و سیستم توزیع قدرت داشته و با جلوگیری از انحصار قدرت در دست گروه یا قشر خاص، منجر به اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی کشور می‌شوند و در صورت کاربست درست و منطقی، منجر به مشارکت بیشتر زنان خواهند شد. در پژوهش پیش رو مشکلات زنان کنشگر در دو دهه ۷۰ و ۸۰ و میزان مشارکت و نحوه عملیات آنها در احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد بیان شده است، و به این پرسش‌های اساسی پاسخ داده شده که علل مشارکت بیشتر زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به احزاب سیاسی طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ چیست و چه عواملی باعث گردیده احزاب سیاسی در حوزه فعالیت‌های زنان به کارویژه‌های مطلوب خود دست نیابند. برای یافتن پاسخ این سؤالات از روش کیفی و توصیفی سود برده شده است. نتایج مطالعات اسنادی، کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های مصاحبه‌ها از طریق نرم‌افزار MAXQDA و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و تئوری داده‌بنیاد نشان داد که هرچند احزاب سیاسی بعد از سال‌های دهه ۷۰ و ۸۰ مدعی گسترش نقش زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده‌اند، به‌دلیل ماهیت احزاب سیاسی در ایران، این مهم در سطوح عالی به‌ندرت اتفاق افتاده است و سازمان‌های مردم‌نهاد تا حدود بسیار زیادی از وضعیت بهتری برای حضور، گسترش و ایفای نقش مشارکت‌جویانه زنان برخوردار بوده‌اند.

کلیدواژگان

مشارکت، احزاب، سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت سیاسی، عدالت جنسیتی، تبعیض جنسیتی

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی (مسائل ایران) واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

marzie.samaei@yahoo.com

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

khastu.ra@gmail.com

moghimi@kiaou.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۸ دی ۱۴۰۰ - تاریخ پذیرش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۰

مقدمه

جایگاه زنان در جامعه ایران همانند سایر کشورها دستخوش فرازونشیب‌های بسیار بوده است. انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، هر کدام به‌نوبه خود، تأثیرات شگرفی در فرهنگ، مناسبات انسانی و به‌تبع آن مشارکت زنان داشته‌اند. مطالعات یک‌صدساله اخیر ایران حاکی از مشارکت قابل‌توجه زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. در عصر مشروطیت، به‌عنوان دوران آغارین جنبش زنان، و پیوند آن با برهه زمانی شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲ که احزاب به‌عنوان مشخصه مهم سیاسی ایران سر برآوردند، بستر لازم برای ادامه جنبش زنان در قالب تشکل‌های مستقل زنانه فراهم شد. انقلاب اسلامی نیز از همان ابتدا مدعی ایجاد فضای جدید برای حضور زنان بوده است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد زنان ایرانی طی فرازونشیب‌های بسیار همچنان در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی نگه داشته شده‌اند.

دوره سازندگی با تلاش بازیگران سیاسی آن، منجر به ایجاد تغییرات اساسی در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور شد و ظهور طبقه جدیدی از قشر زنان و جوانان مطالبه‌گر را به‌دنبال داشت. طبقه جدید، که شامل جوانان و زنان تحصیل‌کرده بود، برای افزایش مشارکت خود در موضوعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آنها، به‌دنبال شکل‌گیری نهادهای جدید مدنی چون احزاب و سمن‌ها بودند (احمدوند، ۱۳۹۶: ۱۴۸)؛ بنابراین می‌توان دوره سازندگی را نقطه شروع شکل‌گیری انواع تشکل‌ها از نوع مدرن آن دانست. اساساً به‌دلیل افزایش رغبت زنان به مشارکت در جامعه از طریق نهادهای مدنی نظیر احزاب و سمن‌ها، دهه‌های ۷۰ و ۸۰ مورد مطالعه این پژوهش است.

منقدان وضعیت حقوق زنان در ایران، معتقدند زنان ایرانی اجازه حضور مؤثر در ساختارهای تصمیم‌سازانه ندارند. آنان در مقایسه با مردان در مقیاس دسترسی به ساخت قدرت و درصد کرسی‌های پارلمانی و پست‌های مدیریتی از سهم بسیار ضعیفی برخوردارند (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷۵؛ خلیلی، ۱۳۸۶: ۳). گرایش زنان به سمت ایجاد تشکل‌های سیاسی و اجتماعی زنانه یا ایجاد خودجوش سازمان‌های مردمی یکی از دلایل مهم نادیده گرفتن آنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی است. علی‌رغم مشارکت انبوه سیاسی زنان در انقلاب اسلامی، در تمام دوره‌های پس از آن، زنان از سهم متناسب نسبت به مردان در ساخت قدرت برخوردار نشده‌اند. مشارکت سیاسی برای زنان در ایران بعد از انقلاب نیز بیشتر به مشارکت در سطوحی مانند رأی‌گیری تنزل یافته و در بقیه سطوح قدرت به‌ندرت شکل گرفته است.

احزاب در کشورها، به‌ویژه کشورهای اروپایی، سیر تکامل طبیعی خود را از طریق گروه‌بندی‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های صنفی طی کردند و در پی آن صورت‌بندی‌های صنفی احزاب سر برآوردند و نهادینه شدند؛ لیکن در ایران و بسیاری از کشورهای شرقی این قاعده روال «تکامل طبیعی نهادین» خود را سپری نکرده است و احزاب در کشورمان در جریان «مبارزات صنفی - سیاسی تاریخی» به‌وجود نیامده‌اند و در بسیاری موارد در نتیجه انقلاب‌ها، کودتاها، تغییر دولت‌ها و مانند آنها سربرآورده‌اند

(نوذری، ۱۳۸۱: ۲۸) (OSCE، 2014:16-43). وجود احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای اروپایی، نابرابری در تقسیم مشارکت بین زنان و مردان را مرتفع می‌نماید. حضور زنان در ارکان قدرت و احراز مناصب عالی و دولتی، با حضور و قدرت آنان در احزاب سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد رابطه تنگاتنگی دارد. زنان با پیوستن به ساختارهای سیاسی احزاب می‌توانند باعث دگرگونی قوانین، اصلاح رفتارها و سلطه فرهنگ مدیریتی مردانه شوند. در ایران علی‌رغم اینکه مطالعه پیرامون احزاب، نظام‌های حزبی و ساختارهای حزبی هنوز شکل صحیح و منسجمی به‌خود نگرفته است، درخصوص تعریف و نقش احزاب نیز تصویر روشن و دقیقی وجود ندارد (احمدوند، ۱۳۹۶: ۱۳۸) و (نوذری، ۱۳۸۱: ۲۶). به همین دلیل درخصوص مشارکت افراد، با تراکم حضور مردان در احزاب و وجود همان نابرابری‌ها روبه‌رو هستیم. دلایل متفاوتی مسبب این عدم تعادل است. با توجه به اینکه روابط درون احزاب سیاسی نمونه کوچکی از مناسبات جنسیتی و اجتماعی کشور را نشان می‌دهد، در این بین زنان برای رفع تبعیض‌های موجود، فرصت‌های جدیدی به‌واسطه نهادهای مدنی و غیرحکومتی به‌وجود آوردند تا به‌دور از مناسبات سیاسی، زمینه‌های حضور خود را مؤثرتر جلوه دهند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۹ میزان فعالیت زنان در حوزه‌های سیاسی ۱۰ درصد، صنفی ۱۶ درصد، خیریه‌ای ۲۴ درصد، زیست‌محیطی ۵ درصد، حقوقی ۵ درصد، آموزشی ۶ درصد، تحقیقاتی ۷ درصد، بهداشتی ۳ درصد و اجتماعی ۷ درصد بوده است (شاهسوند، ۱۳۸۰: ۱۵۹). یعنی از کل فعالیت‌های زنان فقط ۱۰ درصد آن مربوط به فعالیت در حوزه سیاسی بوده است؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که علل مشارکت اجتماعی بیشتر زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به مشارکت سیاسی آنان در احزاب سیاسی طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ چیست و چه عواملی باعث گردیده احزاب سیاسی در حوزه فعالیت‌های زنان به کارویژه مطلوب خود دست نیابند؟

جدول احصاء آمار احزاب در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ <https://moi.ir> پورتال خبری وزارت کشور

دوره‌های ریاست جمهوری	تعداد احزاب	سال	دهه
دوره‌های ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی ۸ حزب	۱	۶۹	دهه ۶۰
	۱	۷۰	دهه ۷۰
	۲	۷۱	
	۲	۷۲	
	۱	۷۴	
	۱	۷۶	
دوره‌های ریاست جمهوری خاتمی ۵۱ حزب	۱۶	۷۷	جمع دهه ۷۰
	۶	۷۸	
	۸	۷۹	
	۳۳		دهه ۸۰
	۱۰	۸۰	
	۵	۸۱	

	۳	۸۲	
	۲	۸۳	
	۱	۸۴	
احمدی نژاد حزب ۱۷	۴	۸۵	
	۲	۸۶	
	۲	۸۸	
	۳	۸۹	
	۳۱		جمع دهه ۸۰
۴۵	۶	۹۰ الی ۹۲	دهه ۹۰
	۱۱	۹۳ الی ۹۸	
	۳۴	سال ۹۹ (حزب ۳۴)	

جدول نتایج احصاء آمار سمن‌ها در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ <https://moi.ir> پورتال خبری وزارت کشور

دوره ریاست جمهوری	تعداد سمن‌ها	سال	دهه
	۱	۶۷	۶۰
	۱۲	۶۸-۶۹	
هاشمی رفسنجانی ۸۳ سمن	۱۳	۷۰	۷۰
	۲۴	۷۱	
	۱۳	۷۲	
	۱۰	۷۳	
	۲	۷۴	
	۵	۷۵	
	۴	۷۶	
خاتمی ۱۹۹	۲۴	۷۷	۸۰
	۸	۷۸	
	۳۷	۷۹	
	۵۱	۸۰	
	۲۷	۸۱	
	۳۱	۸۲	
	۱۷	۸۳	
احمدی نژاد	۴	۸۴	۸۰
	۲۰	۸۵	
	۲۷	۸۶	
	۱۸	۸۷	
۱۸۹	۳۰	۸۸	

	۲۵	۸۹	
	۳۱	۹۰	
	۳۵	۹۲-۹۱	۹۰
۴۷۱	۵	۹۳	

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

تا کنون آثار چندی درباره نقش زنان در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورمان منتشر شده است. همچنین در خصوص مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان از طریق احزاب یا سازمان‌های مردم‌نهاد نیز مطالعاتی صورت پذیرفته است. اما هنگام جست‌وجو در پژوهش‌های پیشین، معدود آثاری را می‌توان یافت که به چالش‌ها، موانع یا موفقیت‌های زنان برای رسیدن به مطالبات سیاسی و اجتماعی‌شان از طریق احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخته باشد. وجود مشکلات ذاتی انجام پژوهش در خصوص فعالیت‌های زنان را می‌توان یکی از دلایل این بی‌توجهی دانست و البته عدم توجه به این نکته بسیار مهم، که مشارکت زنان به صورت رابطه‌ای غیرمستقیم، افقی یا موازی با حکومت، می‌تواند موازنه قدرت میان حکومت و شهروندان را تعدیل کرده و فضای مناسب‌تری برای تأمین نیازها و برآوردن انتظارات فراهم آورد.

با توجه به اینکه بخش مهمی از نظریات مربوط به نوع مشارکت زنان در جامعه، به وجه اسلامی بودن کشورمان مربوط است، پژوهش اسما بارلاس در خصوص خوانش‌های مردسالارانه از قرآن بسیار قابل توجه است. او تلاش می‌کند خوانشی از قرآن ارائه دهد که در چارچوب تعلیم قرآنی برای برابری زنان و مردان مبارزه کند؛ برخلاف آنچه هم مسلمانان محافظه‌کار و هم مسلمانان پیشرو باور دارند. البته او تأکید دارد قرآن مسئول خوانش‌های ناصحیح از خود نیست و این مسئولیت با خواننده است؛ چون بارها قرآن از ما خواسته است که آن را با بهترین معانی‌اش خوانش کنیم (Barlas, 2002:205&206). پیشگاهی فرد با تحلیلی بر میزان مشارکت زنان در تشکل‌های سیاسی کشور در سال ۱۳۸۵ با روش تحقیق توصیفی و از طریق مطالعه اسنادی، به ساختار مردسالارانه قدرت حاکم بر ساختار اصلی کشور با توسل به جامعه آماری احزاب اشاره می‌کند. او نتیجه می‌گیرد مشارکت منطقی زنان در احزاب محقق نشده است و این امر را مسبب عدم وجود سهم واقعی زنان در سیاست‌گذاری دولتی می‌داند. وی و سایر نویسندگان این مقاله معتقدند تعداد زنان در احزاب با تعداد زنان در پست‌های کلیدی کشور تناسب ندارد (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۸۸: ۷-۲۸). عالی‌زاد در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع «بررسی نقش وسایل ارتباط جمعی در مشارکت سیاسی» و از طریق روش پیمایشی در شهر تهران به رابطه بین جنس و میزان مشارکت سیاسی پرداخته و نشان داده است که زنان کمتر از مردان به مشارکت سیاسی علاقه‌مند هستند (عالی‌زاد، ۱۳۸۴: ۸۹-۱۳۲). تحقیقات عباس‌نیا و مصفا در موضوع مشارکت زنان در جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۵ و در

دوره اصلاحات، که براساس نظریه توانمندسازی زنان از سارا لانگه^۱ و به کمک روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، به این نتیجه می‌رسد که در دولت اصلاحات مشارکت سیاسی زنان به‌طور کمی افزایش ناقصی داشته است که عمدتاً در عرصه‌های خرد و میانه مدیریت سیاسی بوده است؛ اما به لحاظ کیفی رشد مطلوبی نداشته و مشارکت زنان در این دوره نه در سطح مردان و نه نهادینه و واقعی بوده است. آنها براساس مدل توانمندی لانگه به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به صورت‌گذاری ناقص از هر مرحله، مشارکت به معنای واقعی در دوران اصلاحات نیز اتفاق نیفتاده است و زنان در مقایسه با مردان، مشارکتی محدود و ناقص داشته‌اند؛ پس هیچ کنترلی بر نتایج اعمال مشارکت محدودشان نیز ندارند. در این دوره نیز عبور از مراحل رفاه، دسترسی، آگاهی و مشارکت به‌طور کامل انجام نشده است و در مرحله کنترل متوقف شده است (عباس‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۶-۹۸). به هر روی در انجام مراحل پژوهش، از آثار مطرح‌شده و منابع بسیار دیگری بهره فراوان برده شد؛ اما هیچ‌یک از آنها به‌طور خاص به مقایسه حضور زنان در احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌خصوص در ده‌های ۷۰ و ۸۰، نپرداخته است و برای دستیابی به نتایج متقن و قابل‌استناد از روش تحلیل محتوا^۲، مصاحبه عمیق و گراند تئوری^۳ (داده‌بنیاد) که روش تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه از طریق کدگذاری می‌باشد سود نبرده است. همچنین استفاده از نرم‌افزار دقیق^۴ MAXQDA در این پژوهش سبب شده تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با دقت بیشتری دنبال شود.

طرد زنان از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی با توجه به واقعیت موجود، که آنها نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، موضوعی است که فلسفه سیاسی فمینیسم^۵ در واکنش به نابرابری‌های موجود و دفاع از مطالبه حقوق زنان مطرح نموده است (فریدمن، ۱۳۸۱: ۵). پژوهش حاضر با توجه به اقتضانات بومی ایران از نظریات فمینیستی بهره جسته است؛ چراکه نظریات فمینیستی سیاسی بوده و هدفشان دگرگونی جامعه و طرح مشکلات مربوط به زنان است. این تحقیق، به دنبال انتشار یافته‌هایی است که مشکلات حضور سیاسی و اجتماعی زنان را طرح کرده و قصد دارد از نتایج آن برای تأثیر بر سیاست‌گذاران و ایجاد تغییرات در زندگی زنان و برآورده ساختن نیازهای سیاسی و اجتماعی آنان استفاده نماید. گرایش‌های فمینیستی رایج در جهان مانند فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم رادیکال، سوسیال فمینیسم، و فمینیسم پست‌مدرن سال‌های متمادی ذهن پژوهشگران را به خود مشغول داشته و در دهه‌های اخیر عبارت فمینیسم اسلامی نیز مطرح شده است (میشل، ۱۳۸۳: ۹۶-۱۱۷). هرچند یکی از مشکلات گفت‌وگو در مورد فمینیسم، وجود همین گرایش‌های متفاوت و متنوع

1. sara longe
2. Content Analysis
3. Grounded Theory

4. این نرم‌افزار برنامه‌ای کاربردی ویژه تحقیق کیفی است که محیط مناسبی را برای تحلیل محتوای متن فراهم می‌کند و جهت تحلیل داده‌های ساختاریافته مانند مصاحبه‌ها، مقالات، رسانه‌ها، نظرسنجی، مطالعات کیفی و ... به کار گرفته می‌شود.

5. feminism

است که گاهی حتی مواضعی متعارض و متناقض دارند، درنهایت گزاره‌های مشترکی نیز در آرمان‌ها، اهداف و ایدئولوژی آنها می‌توان یافت؛ مانند نفی تمایزهای جنسیتی، اعتقاد به وجود تبعیض و ستم تاریخی به زنان و یا مبارزه برای برابری زنان و مردان.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بعد از انقلاب اسلامی، دو نحله متفاوت از طرفداران فمینیسم فعالیت می‌کنند؛ گروهی که فعالیت‌های فمینیسمی خود را بر پایه تفکرات فمینیسم غربی بنا کرده‌اند و اهداف خود را در قالب ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و سیاسی غرب دنبال می‌کنند و به دنبال حذف نهاد دین در جامعه هستند. این گروه راه‌حل نهایی برای زنان را روش‌های غربی می‌دانند؛ مانند مخالفان جمهوری اسلام، و سلطنت‌طلبان. گروه دوم، که آنان را فمینیست اسلامی می‌نامیم، خواهان تجدیدنظر در قوانین و نیز ساختار جامعه مردسالار ایرانی هستند. آنان تغییر اصلاح‌طلبانه در قوانین جمهوری اسلامی و شرایط سامان‌دهی وضعیت زنان و مردان را تنها راه‌هایی زنان از جنس دوم بودن می‌دانند. آنها همچنین خواستار استفاده از امتیازات اجتماعی مانند حضور در پست‌های سازمانی و مدیریتی، دستمزد برابر با مردان در شرایط یکسان کار، و حضور در عرصه‌های مختلف می‌باشند. طرفداران این گروه، با تلاش‌های مجدانه خود توانستند تغییرات قابل توجهی به نفع زنان ایجاد کنند. به‌طور مثال آنها زمینه تشکیل کمیسیون زن و خانواده را در مجلس شورای اسلامی ایجاد نمودند؛ اما عدم وجود هم‌گرایی و بروز تشتت آرا در میان این جنبش‌ها، از دلایل عدم موفقیت آنان در نیل به اهداف ترقی‌خواهانه‌شان بوده است (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳: ۴۴) و (شفیعی سروستانی، ۱۳۷۹: ۶۳).

با توجه به تاریخچه فعالیت‌های فمینیستی در جهان و ایران، به نظر می‌رسد با نحله‌ای از فمینیسم با رویکردی ایرانی - اسلامی مواجه هستیم. در کشورمان به دلایلی از قبیل عملکرد ضعیف نهادهای روشنفکری و عدم تسلط آنها بر ورود امواج تجددخواهانه در دوران گذار از سنت به مدرنیته، وجود جامعه‌ای مستعد در بومی‌سازی افکار غربی وارداتی، وجود تعصبات خشک مردانه در فرهنگ، و عدم درک درست از احکام دینی، شاهد بروز چالش‌های متفاوت، مبارزات و مقاومت‌های بسیار زنان در برابر استیلای مردان بوده‌ایم.

مطالبات سیاسی و مدنی در کشور ایران علاوه بر تأثیرپذیری از غرب و انگاره‌ها و رویکردهای فمینیستی، از عوامل خاص داخلی و تاریخی نیز متأثر بوده است. فرهنگ ایرانی - اسلامی و چندپارگی‌های فرهنگی مربوط به آن نیز بر این رویکرد اثرگذار بوده است. زنان پژوهشگر مسلمان ایرانی به دنبال بازاندیشی در مبانی حقوقی و فقهی مربوط به خود و جست‌وجوی معانی جدید در متون مقدس جهت بازتولید معنایی عادلانه برای بازنمایی نقش‌های حقیقی هستند. قاسم‌پور به نقل از بدران (۲۰۱۳)، ودود (۱۹۹۹) و احمد (۱۹۹۲) بیان می‌کند که شبهه در دانش و احکام اسلامی موجود با برچسب مردسالاری و تفاسیر مدافع حقوق زنان از ادعاهای مبنایی فمینیست‌های اسلامی می‌باشد (قاسم‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۳۸). فمینیست‌های مسلمان معتقدند «دین اسلام زن و مرد را در ذات انسانی یکسان می‌شمارد و به هر دو آنها به یک چشم می‌نگرد. آنها را با هم به کار و کوشش و آبادانی

زمین فرامی‌خواند و مسئولیت سرپیچی و انحراف از مسیر دین را به یک اندازه بر عهده آنان می‌داند» (کدیور، ۱۳۷۵: ۲۶). و یا به استفاده از آیات و روایات اسلامی در اصل برابری زنان و مردان می‌توان اشاره کرد: «هر کس که عمل شایسته انجام دهد، چه مرد و چه زن و دارای ایمان به خداوند باشد، او را از زندگی پاکیزه برخوردار می‌کنیم و مزد و پاداش او را بهتر از آنچه عمل کرده است ادا می‌کنیم» (مؤمن: ۴۰).

مسئله تحقیق پیش رو از طریق سیاست‌های جهانی فمینیستی قابل پیگیری است. مطالبات سیاسی و مدنی زنان ایرانی نشان می‌دهد که آنان به دنبال روایتی ایرانی و ملی-اسلامی از فمینیسم هستند. از سوی دیگر مطالعه میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در احزاب سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد، که با موضوع به حاشیه راندن سلسله‌مراتبی زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز ارتباط مستقیم دارد، از جمله مسائل مطرح در جریانات فمینیستی است.

اما فمینیسم ایرانی - اسلامی، که بنای پژوهش حاضر بر آن نهاده شده است، جریانی است که در دهه‌های اخیر در کشورهای اسلامی و متأثر از جریان فمینیسم غربی رواج یافته است. هرچند بسیاری از اندیشمندان با کاربرد مفهوم فمینیسم اسلامی مخالفند و با تمرکز بر دو مفهوم «اسلام» و «فمینیسم»، امکان وجود چنین ترکیبی را به چالش می‌کشند، بسیاری از مدافعان حقوق زن در کشورهای اسلامی، فمینیست مسلمان معرفی می‌شوند. این گروه از فمینیست‌ها، مانند بارلاس و دودو، در تلاشند با تاسی از قرآن و احادیث و با بهره‌گیری از روش هرمنوتیکی، تفاسیر مدرنیستی از کتاب مقدس ارائه دهند. طرفداران این جریان از نیمه دوم قرن بیستم نظریات خود را مطرح کردند. آنان با تفسیر زن‌مدارانه از اسلام در صدد طرح آموزه‌های خود شدند. آنان با استناد به آیات قرآن معتقدند خداوند حقوق و عدالت را برای همه انسان‌ها به ارمغان آورده است. گروهی از پژوهشگران فمینیسم اسلامی را نشئت‌گرفته از نظریه‌های پست‌مدرن می‌دانند؛ با این ادعا که هر دو این جریان‌ها بر نسبیت فرهنگی تأکید دارند و متناسب با فضای فرهنگی و بومی آن را مطرح می‌کنند (شهیدیان، ۱۳۷۷: ۶۱۱ - ۶۴۰) و (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۹). بسیاری از فمینیست‌های اسلامی معتقدند اساساً مسئله حقوق زنان امری جهانی است و سابقه‌ای طولانی دارد. البته اصطلاح فمینیسم اسلامی نه توسط طراحان آن بلکه توسط شاهدان بیرونی به این جریان داده شده است؛ از این‌رو برخی نواندیشان از پذیرش برجسب فمینیسم اسلامی پرهیز می‌کنند؛ اما از آنجاکه همه آنها در صدد ارائه خوانشی جدید از رویارویی اسلام با مسائل زنان هستند، با این عنوان بازشناسی می‌شوند. از جمله مهم‌ترین و اولین آثار زن‌پژوه می‌توان به کتاب «تحریر المرأة و المرأة الجديدة»، که در اواخر قرن نوزدهم توسط قاسم امین نویسنده مصری نوشته شده است، اشاره کرد. همچنین از جمله فمینیست‌های اسلامی می‌توان از نام‌آورترین فمینیست‌های اسلامی ایرانی نظیر نیره توحیدی، اسانه نجم‌آبادی، پروین پایدار (ناهدید یگانه)، هاله افشار، ژیلا شریعت‌پناهی و هاله سحابی، و در خارج از ایران از فاطمه مرنیسی^۱، نوال

السعداوی^۱، آمنه ودود^۲ و اسماء بارلاس^۳ نام برد (میرخانی، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

زنان فمینیست مذهبی میانه‌رو بعد از انقلاب اسلامی در کشورمان خواستار حضور زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی بودند؛ مانند ایجاد فرصت‌های شغلی و تحصیلی برابر با مردان و یا عدم تبعیض در ارتقاء شغلی یا احراز پست‌های عالی دولتی؛ اما وجود همان موانع و مشکلات ناشی از استیلای جنسیتی مردان در جامعه، زنان را بر آن داشت که برای انسجام بیشتر در مطالبات‌شان، به ایجاد گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی زنانه اهتمام ورزند و از این طریق نقش مؤثرتری داشته باشند.

پژوهش حاضر به دنبال تحلیل، تلخیص، طبقه‌بندی و استنباط خصوصیتی از متن بوده و با مدد گرفتن از روش تحلیل محتوا، معناهای پنهان واقع در متن مصاحبه‌ها را هویدا و امکان مقایسه چندین متن را فراهم نموده است. سپس از طریق واکاوی، تحلیل و تلخیص مقوله‌ها و طبقه‌بندی و برقراری ارتباط بین طبقات، به تدوین نظریه و چارچوب مفهومی پرداخته است. این پژوهش بنا دارد با تکیه بر صورت‌بندی‌های نظری فمینیستی، روایتی ایرانی، ملی و اسلامی را از فمینیسم ارائه کند، و وضعیت مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را در احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد در دو دهه ۷۰ و ۸۰ روشن نماید.

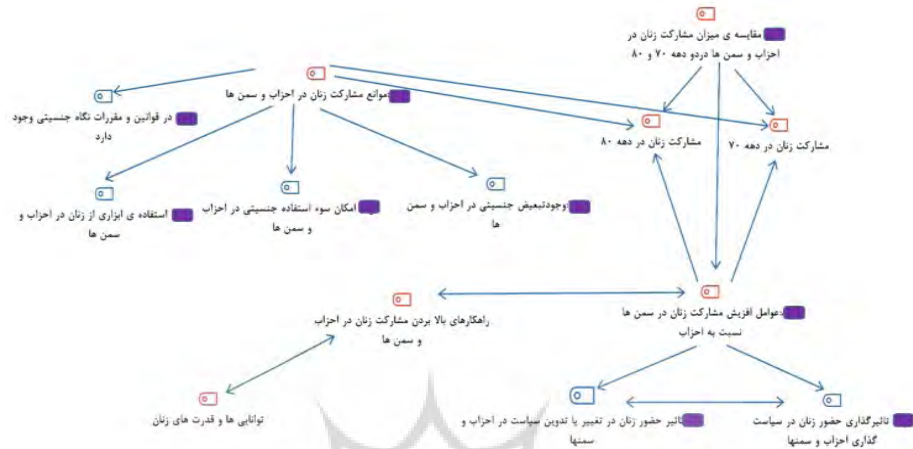
مدل نظری پژوهش

یافته‌های این پژوهش بعد از بررسی داده‌ها و اطلاعات موجود نشان می‌دهد که با توجه به ادبیات موضوع و مصاحبه با خبرگان، مدل نظری مطرح به صورت زیر قابل ترسیم است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Nawal El Saadawi
2. Amina Wadud
3. Asma Barlas

مدل نظری پژوهش



جهت تبیین مدل نظری پژوهش حاضر، لازم است یادآوری شود که ابتدا سؤال اصلی طرح شده و در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته است. در پاسخ‌های دریافت‌شده از مصاحبه‌شوندگان، موانع مشارکت زنان در احزاب و سمن‌ها پیگیری شد. عمده نتایج حاصل از بررسی مصاحبه‌ها، مدل نظری بالا را شکل می‌دهد. نتایج حاکی از آن بود که حتی بعد از انقلاب اسلامی و علی‌رغم گذشت سال‌ها از عمر آن، با توجه به مشکلات ساختاری موجود در جامعه، متأسفانه هنوز موانع بسیاری برای مشارکت زنان در جامعه شمردنی است. همچنین با مقایسه حضور زنان در سمن‌ها نسبت به احزاب، این رهیافت مهم مشهود است که زنان اشتیاق بیشتری به مشارکت در سمن‌ها داشته‌اند. سوگیری مشارکت زنان به سمت سمن‌ها دلایل فراوانی داشته که در مدل نظری نیز بیان گردیده است. موانعی نظیر وجود تبعیض جنسیتی بیشتر در احزاب نسبت به سمن‌ها و استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب، به‌خصوص در زمان انتخابات، از دلایل حضور کم‌رنگ آنان در احزاب است. در مقابل همان‌طور که در مدل نظری نیز هویداست، تأثیر حضور زنان در سمن‌ها برای ایجاد تغییرات اجتماعی و اقتصادی سودمند، تلاش در جهت تغییر قوانین و عرف جامعه، و جدیت برای برقراری عدالت جنسیتی در لایه‌های مختلف اجتماعی از دلایل حضور پرشور زنان در سمن‌هاست. یکی از مهم‌ترین عواملی که نگاه زنان را به نفع مشارکت در سمن‌ها معطوف داشته است، احساس فعالیت در محیطی امن‌تر است. جمعیت بسیاری از زنان و خانواده‌هایشان، اضطراب ناشی از فعالیت‌های سیاسی در احزاب را بر نمی‌تابد؛ هرچند همان‌طور که در مدل نظری نیز مشهود است، نتایج مطالعات پژوهش نشان می‌دهد حضور زنان در احزاب سبب تغییرات مثبتی در اصلاح یا تدوین قوانین خواهد شد، اما ساختار جامعه، شرایط لازم برای حضور مؤثر این قشر از جامعه را فراهم ننموده است (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۶۵) و (قادرزاده، ۱۳۹۸: ۱۸۹-۱۷۱).

روش تحقیق

مصاحبه، از فنون یا ابزارهای متداول جمع‌آوری داده‌های پژوهشی است. استفاده از روش مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌ها با گسترش رویکردهای کیفی و تلفیقی در سال‌های اخیر مورد توجه خاص پژوهشگران عرصه نظری قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های پژوهش کیفی، نظریه داده‌بنیاد است که هم ابزاری برای ایجاد نظریه و هم شیوه‌ای برای انجام پژوهش‌های کیفی است. این نظریه، رهیافتی برای بررسی نظام‌مند داده‌های کیفی نظیر مصاحبه انجام‌شده، با هدف تولید نظریه است. سه عنصر اساسی نظریه داده‌بنیاد، مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها هستند. در این روش، کدگذاری نقش مهمی در عملیات پژوهش ایفا می‌کند. از طریق کدگذاری نظری به تحلیل داده‌هایی خواهیم پرداخت که به تدوین یک نظریه مینجامد. کدگذاری نظری شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری گزینشی و کدگذاری محوری است (فراست‌خواه، ۱۴۰۰: ۱۰ - ۱۰۷). در همین راستا و در فرایند انجام مراحل مصاحبه، بعد از انتخاب مصاحبه‌شوندگانی که سابقه حضور و فعالیت در احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد داشته و از همه طیف‌های سیاسی به‌طور مساوی انتخاب شدند، مصاحبه عمیق صورت پذیرفت. مصاحبه‌شوندگان در رده سنی متولدان ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ بودند. از نظر شغلی شامل نماینده سابق مجلس از شهر تهران، عضو شورای شهر تهران، استاد دانشگاه و معلم بازنشسته بودند. برخی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان عبارت بود از: عضویت در کمیسیون بانوان و جوانان شهرستان کرج، ستاد دانشجویان مسلمان، عضو حزب زنان اصلاح‌طلب، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، عضو کانون نشر اسلام، عضو جبهه پایداری، عضو اصول‌گرایان، مؤسس و رئیس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان، مؤسس و رئیس کمیته حقوق بشر مجلس، مسئول بسیج دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی کرج، مسئول بسیج دانشجویی واحد خواهران استان تهران، دبیر ستاد جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نیز مدیر کل دفتر اجتماعی و انتخابات استانداری تهران، عضو مؤسس و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ایران اسلامی، عضو کارگزاران و مانند آنها. همچنین عضویت در تشکل‌های غیردولتی مردم‌نهادی نظیر حمایت از محیط زیست، حمایت از حیوانات، بنیادهای خیریه مختلف، بنیاد نیکوکاری، کانون ازدواج آسان، انجمن‌های قرآنی و جمعیت دفاع از حقوق کودکان و حمایت از زنان. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای ترتیب داده شد که در آن، سؤال مصاحبه با توجه به سؤال اصلی پژوهش از قبل مشخص بوده، و برای تمام پاسخ‌دهندگان، پرسش مشابه طرح شد، و آنها آزاد بودند که به هر طریقی که می‌خواهند پاسخ دهند. سپس مقوله‌بندی، کدگذاری باز، محوری و انتخابی داده‌های کیفی انجام پذیرفت. در هنگام تحلیل ساختاری متن نوشتاری مصاحبه‌ها، واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم و میزان تکرار آنها شمارش و تحلیل شد. در تحلیل تفسیری تلاش شد پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه آشکار شود و براساس آن، نظریه از قبل تعیین‌شده توسعه یابد. در نوشتن گزارش پایانی به ربط دادن و جمع‌بندی عقاید و نظرات مصاحبه‌شوندگان همراه با ذکر نقل‌قول‌های مستقیم و غیرمستقیم پرداخته شده است. برای سهولت در جمع‌بندی مطالب و رعایت اصل محرمانه بودن نظرات

مصاحبه‌شوندگان، در ادامه فرآیند پژوهش آنان را شماره‌گذاری کرده و به‌منظور پایداری نتایج به‌دست‌آمده و صحت آنها، از محقق دیگری نیز خواسته شد به بررسی یادداشت‌ها و مقوله‌بندی‌ها، با استفاده از فهرست مقوله‌ها و تحلیل‌های رایانه‌ای، که در حین پژوهش انجام شده است، بپردازد (مرور هم‌تا). در این راستا، با هدف تسهیل تجزیه و تحلیل یادداشت‌های مصاحبه و افزایش میزان دقت، از نرم‌افزار رایانه‌ای MAXQDA برای تحلیل داده‌های کیفی بهره برده شد. البته باید توجه داشت این نرم‌افزار اگرچه موجب سرعت عمل در مقوله‌بندی و تحلیل داده‌ها می‌شود، تعیین معنای مقوله‌ها، جست‌وجوی مضامین و روابط میان گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و تصمیم درباره نتایج نهایی بر عهده پژوهشگر بوده است. در خلال انجام مصاحبه‌ها در روش گراندد تئوری، بعد از انجام شش مصاحبه، اشباع نظری در فرآیند نمونه‌گیری نظری رخ داد. نقطه اشباع نظری، کلید دستیابی به روایی و پایداری تحقیق کیفی است. نقطه اشباع نظری، که در آخرین مرحله کدگذاری نظریه بنیادی یعنی کدگذاری انتخابی رخ می‌دهد، تبیین‌کننده نظریه بنیادی است. معیار پژوهش حاضر برای کشف رسیدن به اشباع، تکرار داده‌های قبلی بود؛ بدین معنی که بعد از مواجهه با داده‌هایی که مرتب تکرار می‌شوند، به کشف نتایج حاصل از داده‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های تحقیق

در فرآیند اجرای پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از رویکرد نظریه داده‌بنیاد، این پرسش اساسی مطرح گردید که به نظر شما چه عواملی سبب حضور بیشتر زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد در مقایسه با احزاب بوده است؟ از نتایج مقوله‌بندی کدهای باز از متن مصاحبه‌ها، جدول زیر حاصل شد:

جدول مقوله‌بندی کدهای متن مصاحبه

Document name	Code	Segment
مصاحبه شماره ۱	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	مشکلات زیادی برای فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه وجود دارد.
مصاحبه شماره ۱	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	متأسفانه ما احزاب واقعی در ایران نداریم.
مصاحبه شماره ۱	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	احزابی که شناخته شده باشند یا دائم فعال باشند و کار کنند در ایران نداریم.
مصاحبه شماره ۱	فعالیت احزاب در هنگام انتخابات	احزاب زیادی در ایران نزدیک انتخابات فعال می‌شوند.
مصاحبه شماره ۱	پراکندگی احزاب بعد از پایان انتخابات	احزاب بعد از انتخابات یکی دو ماه فعال هستند و بعد پراکنده می‌شوند.
مصاحبه شماره ۱	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	حزبی با آن مفهوم که قدرت را در دست بگیرد و موظف باشد از نیروهایی که ساخته و کادر خود در پست‌های کلیدی استفاده کند، در ایران نداریم.
مصاحبه شماره ۱	عضویت انگشت‌شمار زنان در احزاب	تعداد زن‌هایی که در حزب فعالیت می‌کردند در استان البرز بسیار انگشت‌شمار بود.

Document name	Code	Segment
مصاحبه شماره ۱	فعالیت احزاب در هنگام انتخابات	زنانی نزدیک انتخابات وارد حزب می‌شدند.
مصاحبه شماره ۱	فعالیت احزاب در هنگام انتخابات	ندیدم اصلاً که زنان بتوانند تغییر در ساختار برنامه‌های یک حزب ایجاد کنند.
مصاحبه شماره ۱	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	چون ما زنان موانع بسیار زیادی برای حضور در احزاب در پیش داریم.
مصاحبه شماره ۲	مشارکت سیاسی دارای مراتبی است.	مشارکت سیاسی، داشتن پست سیاسی، اجرایی و در مرحله پایین شرکت در مباحث سیاسی
مصاحبه شماره ۲	رای دادن پایین‌ترین مرتبه مشارکت	زنان بیشتر در پایین‌ترین سطح مشارکت در احزاب یعنی رای دادن هستند.
مصاحبه شماره ۲	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	احزاب و سمن‌ها کارکردشان متفاوت است و در احزاب بیشترین موانع وجود دارد.
مصاحبه شماره ۲	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	ساختار جامعه مانع حضور در احزاب است و در سمن‌ها و نهادها کمتر مانع وجود دارد.
مصاحبه شماره ۲	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	اما مشارکت در احزاب و نهادهای سیاسی نگاه منفی حادثی به آن وجود دارد.
مصاحبه شماره ۲	عضویت انگشت‌شمار زنان در احزاب	
مصاحبه شماره ۲	عدم وجود آموزش در احزاب	زنان در احزاب خودشان رشد کردند و احزاب کاری برای آنها انجام نداده‌اند.
مصاحبه شماره ۲	عدم وجود آموزش برای توانمندسازی	وقتی که زنان عضو شدند در نهادها، برنامه‌ای برای ارتقاء آنها و کادرسازی ندارند.
مصاحبه شماره ۲	عوامل عدم مشارکت در احزاب	تبعیض جنسیتی: بله خیلی وجود دارد.
مصاحبه شماره ۲	استفاده ابزاری بیشتر در احزاب	استفاده ابزاری در نهادها: خوب مطمئناً بله وجود دارد.
مصاحبه شماره ۲	استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب	زنانی که شایسته نیستند به شکل تیمی به آنها مسئولیت می‌دهند و تبلیغات می‌کنند.
مصاحبه شماره ۲	استفاده ابزاری بیشتر در احزاب	در بعضی نهادها چند زن را به طور ویتیرینی در مناصبی قرار می‌دهند.
مصاحبه شماره ۲	استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب بیشتر از سمن‌هاست.	در ظاهر می‌خواهند نشان دهند که برابری جنسیتی وجود دارد ولی عملاً تصمیم‌ها در پشت پرده گرفته می‌شود.
مصاحبه شماره ۲	استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب بیشتر از سمن‌هاست.	عملاً بیشتر انتظار دارند زنان حرف‌گوش‌کن باشند و زنانی را که بیشتر تابع هستند به‌کار می‌گیرند.
مصاحبه شماره ۲	به‌طور کلی آگاهی‌بخشی سبب مشارکت بیشتر در احزاب شده است.	ولی به‌طور کلی آگاهی‌هایی که در جامعه به‌دلیل شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود دارد، موجب تقویت مشارکت بیشتر زنان در نهادهای سیاسی هم شده است.
مصاحبه شماره ۲	عدم وجود آموزش در	نقص احزاب و نهادها این است که هیچ برنامه آموزشی

Document name	Code	Segment
	احزاب	برای کادرسازی زنان ندارد.
مصاحبه شماره ۳	وجود احزاب سیاسی موردپسند نیست.	تشکل‌های غیردولتی از نظر سیستم سیاسی کشورمان خیلی موردپسند نیست.
مصاحبه شماره ۳	نگاه امنیتی به تشکل‌های غیردولتی	اغلب تشکل‌های غیردولتی، امنیتی دیده می‌شود.
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش به اعضا یکی از دلایل عدم ادامه فعالیت درازمدت آنها	تشکل‌های غیردولتی با شتاب شکل گرفته بودند و به‌خاطر شتاب اولیه آموزش بین اعضا وجود نداشت.
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش اعضا از دلایل عدم ادامه فعالیت درازمدت آنها	بسیاری از اعضا فکر می‌کردند تشکل‌های غیردولتی فرصتی برای اشتغال‌زایی است.
مصاحبه شماره ۳	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	عدم مشارکت زنان بحث منابع مالی بود.
مصاحبه شماره ۳	عدم وجود منابع مالی از دلایل عمر کوتاه تشکل‌های غیردولتی	چون که آموزش و مهارت لازم برای جذب منابع مالی نداشتند، امکان فعالیت برایشان وجود نداشت.
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش به اعضا یکی از دلایل عدم ادامه فعالیت درازمدت آنها	
مصاحبه شماره ۳	نگاه امنیتی به احزاب	احزاب تعدادشان روزبه‌روز کاهش پیدا می‌کرد.
مصاحبه شماره ۳	نگاه امنیتی سبب کوچک‌تر شدن حلقه اعضا در احزاب می‌شود.	به‌مرور اعضا تبدیل شده بود به همان حلقه‌های مرکزی که آن را شکل داده بودند و اعضای داوطلبان داشت کاهش پیدا می‌کرد.
مصاحبه شماره ۳	عمر کوتاه حزب عدم وجود منابع مالی	عدم وجود منابع مالی باعث شد بسیاری از آنها با تعطیلی روبه‌رو شوند.
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش لازم برای کار داوطلبانه زنان در احزاب و سمن‌ها	برای زنان و برای شخص من هم جدای از این نبود؛ مثلاً یکی همون که آموزش لازم برای کار داوطلبانه ندیده بودیم.
مصاحبه شماره ۳	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	زنان در احزاب زیاد فعال نیستند چون حزب که کار سیاسی نمی‌کند.
مصاحبه شماره ۳	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در احزاب	احزاب سیاسی خودشان دچار مشکلات ساختاری هستند.
مصاحبه شماره ۳	مشکلات ساختاری کمتر در احزاب زنانه	در احزابی که طرفدار زنان بودند، مشکلات ساختاری کمتر بود.
مصاحبه شماره ۳	مشکلات ساختاری کمتر در احزاب زنانه	پذیرش حضور زنان از لحاظ فرهنگی و ساختاری دچار مشکل بود.
مصاحبه شماره ۳	مشکلات ساختاری کمتر در احزاب زنانه	از طرفی زنان تمایل زیادی نداشتند در کارهای مردانه مشارکت داشته باشند.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری	در شورای مرکزی یا کمیته اقتصادی و حقوقی کمتر

Document name	Code	Segment
	در داخل احزاب	حضور زنان به چشم می‌خورد.
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش کار داوطلبانه در احزاب	عدم آموزش دلیل کمبود مهارت‌های زنان در انجام اعمال داوطلبانه سیاسی و غیرسیاسی
مصاحبه شماره ۳	آگاهی‌بخشی و مشارکت بیشتر احزاب	
مصاحبه شماره ۳	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	در حوزه‌های سیاسی زنان تمایل به فعالیت ندارند. خیلی پرهزینه است.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در احزاب	وجود مشکلات ساختاری در فرهنگ، اقتصاد و مناسبات اجتماعی و سازمانی
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش لازم برای کار داوطلبانه	ناآموخته‌هایی که درباره مهارت در فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه وجود دارند.
مصاحبه شماره ۳	عدم ادامه فعالیت درازمدت آنها	
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش برای توانمندسازی	
مصاحبه شماره ۳	تعداد احزاب زنانه بسیار کم است.	چهار پنج تا حزب زنانه داریم و اعضایشان هم به اندازه انگشتان دو دست هستند.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در احزاب	ساختارهای سیاسی و اجتماعی در کشور کاملاً جنسیتی چیده شده است.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در احزاب	باورهای اجتماعی که زنان در درون آن رشد می‌کنند.
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش برای کار داوطلبانه زنان	در قالب یک گروه یا تشکل رشد نکرده‌اند.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در احزاب	
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش لازم برای کار داوطلبانه زنان در احزاب و سمن‌ها	درحالی‌که سابقه تشکل‌های سیاسی در کشورمان به دوره مشروطه برمی‌گردد، معمولاً زنان حضور نداشتند.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در داخل احزاب	سابقه تشکل‌های سیاسی در کشورمان به دوره مشروطه برمی‌گردد؛ بدون حضور زنان
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش لازم برای کار داوطلبانه زنان در احزاب و سمن‌ها	ساختار احزاب سیاسی در دوره جدید بر مبنای تبعیض جنسیتی و شکاف جنسیتی بنا شده و به همین دلیل در آن پذیرش زنان دشوار است.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در داخل احزاب	ساختار احزاب سیاسی کشور بر مبنای تبعیض و شکاف جنسیتی بنا شده است.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در داخل احزاب	مردان معتقدند که زنان برای توسعه و بهبود وضعیت کشور فعالیت کنند کافیست.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در داخل احزاب	به دلیل مطالبه درصد بیشتر مشارکت آنقدر تند برخورد کردند که عقب‌نشینی کردم.
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در داخل احزاب	می‌خواهم بگویم از مجلس هفتم خودم تجربه مشکلات حضور زنان را دارم.

Document name	Code	Segment
مصاحبه شماره ۳	وجود مشکلات ساختاری در احزاب	سال‌ها طول کشید تا بتوانیم سهم ۳۰٪ برای زنان در مجلس دهم به دست آوریم.
مصاحبه شماره ۳	عدم آموزش به اعضا یکی از دلایل عدم ادامه فعالیت درازمدت آنها	اگر ساختار مناسب حضور زنان را تعریف نکرده و امکان مشارکت را تسهیل نکنیم و آموزش را فراهم نکنیم، بنایی که ساخته شده واقعی نخواهد بود.
مصاحبه شماره ۳	ائتلاف زنان در احزاب موجب ارتقاء جایگاه زنان است.	تلاش‌ها سبب شد که خانم بهروزی در دولت احمدی‌نژاد، خانم دستجردی را برای وزارت معرفی کنند و این حاصل نشست‌های ائتلاف اسلامی زنان بود.
مصاحبه شماره ۳	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	نگاه امنیتی در سمن‌ها نسبت به احزاب وجود ندارد.
مصاحبه شماره ۳	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	
مصاحبه شماره ۳	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	ورود به عرصه سیاست هزینه زیادی طلب می‌کند.
مصاحبه شماره ۳	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	برای من شخصاً حضور در احزاب همیشه این‌طور بوده: دارای هزینه بیشتر
مصاحبه شماره ۳	ارتقاء جایگاه زنان با ائتلاف زنان حزبی	هدف‌گذاری شرکت زنان در احزاب قدمی است برای جامعه بیرونی آنها.
مصاحبه شماره ۴	فعالیت احزاب در هنگام انتخابات	شعارهای انتخاباتی دولت را نگاه کنید که چقدر به خانم‌ها وعده و وعید دادند.
مصاحبه شماره ۴	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	الآن احزاب دارد شکل می‌گیرد البته باز هم شکل‌گیری واقعی نیست.
مصاحبه شماره ۴	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	حزب به آن صورت نداشتیم. حزب کارگزاران و حزب جمهوری که نابود شد.
مصاحبه شماره ۴	پراکندگی احزاب بعد از پایان انتخابات	
مصاحبه شماره ۴	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	احزاب الآن آن مأموریت ذاتی‌شان در کشور انجام نمی‌شود.
مصاحبه شماره ۴	فعالیت احزاب در هنگام انتخابات	حزب می‌زنند؛ جریان‌سازی می‌کنند ولی در دنیا احزاب به این صورت نیست.
مصاحبه شماره ۴	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	
مصاحبه شماره ۴	پراکندگی احزاب بعد از پایان انتخابات	
مصاحبه شماره ۴	فعالیت احزاب در هنگام انتخابات	
مصاحبه شماره ۴	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	حزب کارشان سیاسی است و خانم‌ها خیلی از زدوبند
مصاحبه شماره ۴	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	
مصاحبه شماره ۴	مشارکت زنان در احزاب	

Document name	Code	Segment
	عواقب دارد.	استقبال نمی‌کنند.
مصاحبه شماره ۴	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	زنان بیشتر دوستدار خدمتند. در آن جی آ برای خدمت‌رسانی فعال هستند.
مصاحبه شماره ۴	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	خشونت‌هایی در احزاب برای زنان هست.
مصاحبه شماره ۴	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	در سیاست می‌گوییم سیاست ما عین دیانت ماست، اما دیانت نیست.
مصاحبه شماره ۴	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	عرصه سیاست عرصه خشنی شده و بد اخلاقی زیاد است.
مصاحبه شماره ۴	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	تخریب، بد اخلاقی، اجازه اینکه طرف توانمندی‌های خود را عرضه کند، نیست.
مصاحبه شماره ۴	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	زدوبندهای پشت پرده، لابی‌گری‌های قوی، خانم‌ها به خاطر جنسیت‌شان نمی‌توانند.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	در حوزه سیاسی زنان متأهل خیلی کمتر وارد می‌شوند؛ چون آسیب دارد.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	ولی در حوزه سیاسی زنان خیلی کمتر وارد می‌شوند.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	در احزاب نمی‌توانی فعالیت کنی و یک بخشش این است که آسیب‌ها زیاد است.
مصاحبه شماره ۵	موانع مشارکت زنان متأهل در احزاب	ما در شورای مرکزی دو تا خانم متأهل داشتیم و بقیه مجرد بودند.
مصاحبه شماره ۵	موانع مشارکت زنان متأهل در احزاب	زنان متأهل هم شوهرانشان اجازه حضور در احزاب را نمی‌دادند.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت در احزاب تعهدآور است.	در فعالیت سیاسی تعهد دارید که کاندیدای خود را صاحب قدرت کنید.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت در احزاب تعهدآور است.	اگر قدرت در ید یک ایده و نظر خاص نباشد، تغییر ایجاد می‌شود.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	باز نسبت به سمن‌ها، در فعالیت سیاسی خیلی خیلی استقبال خانم‌ها کمتر است.
مصاحبه شماره ۵	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	
مصاحبه شماره ۵	عضویت انگشت‌شمار زنان در احزاب	
مصاحبه شماره ۵	استفاده ابزاری در احزاب بیشتر از سمن‌ها است.	فیلم تبلیغات سعید محمد را دیده‌اید؟ چند خانم بی‌حجاب تبلیغ می‌کنند.
مصاحبه شماره ۵	استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب	وقت انتخابات از زنان بی‌حجاب به‌عنوان ابزار استفاده می‌کنند.
مصاحبه شماره ۵	استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب بیشتر از	انتخابات که می‌شود همه چیز عجیب است. در راهپیمایی روز قدس خانومی بدون حجاب و ایرال شده

Document name	Code	Segment
	سمن‌هاست.	و ترک موتور نشسته و تبلیغات روز قدس می‌کند.
مصاحبه شماره ۵	استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب	در هنگام انتخابات از زنان بی‌حجاب و بدحجاب استفاده می‌کنیم.
مصاحبه شماره ۵	استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب	این یعنی استفاده ابزاری برای اینکه رأی جمع کنند.
مصاحبه شماره ۵	استفاده ابزاری از حضور زنان در احزاب	در صورتی که واقعیت چیز دیگری است. در خود احزاب هم این اتفاق می‌فتد.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان در سمن‌ها بیشتر است.	حضور زنان در سمن‌ها بیشتر است تا احزاب.
مصاحبه شماره ۵	موانع مشارکت زنان متأهل در احزاب	چون هزینه کار سیاسی بالاست.
مصاحبه شماره ۵	عواقب بیشتر مشارکت زنان در احزاب	
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان متأهل در احزاب با موانع بیشتری روبه‌روست.	خودم به‌عنوان زنی که چهار سال کار سیاسی کردم، بارها احضار شدم، بازجویی شدم و تحت فشار قرار گرفتم؛ باوجوداینکه سالم هم کار کردم تهدیدم کردند.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان در احزاب عواقب بیشتری دارد.	
مصاحبه شماره ۵	موانع مشارکت زنان متأهل در احزاب	به دلیل فعالیت حزبی باوجود کار سالم اما امنیت شغلی‌ام در خطر بود.
مصاحبه شماره ۵	عواقب بیشتر مشارکت زنان در احزاب	
مصاحبه شماره ۵	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	زنان در احزاب حس می‌کنند که فعالیت آنها تأثیری ندارد.
مصاحبه شماره ۵	موانع حضور زنان در احزاب بیشتر است.	
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	در ایران تنها حزبی که شاکله تشکیلاتی داشت همان حزب توده بود.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	قبل از انقلاب احزابی مثل مجاهدین خلق و فدائیان خلق و مؤتلفه تشکیل شدند اما بعد از انقلاب مفهوم حزب بیشتر شبیه کاریکاتور و مسخره است.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	اکثراً احزاب در کشور یک‌نفره هستند یعنی فقط یک دبیر کل دارند و حتی شورای مرکزی هم ندارند. بعد در شورای هماهنگی احزاب شرکت می‌کنند.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	اکثر احزاب کشور یک‌نفره هستند با یک دبیر کل و شورای مرکزی هم ندارند.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	احزاب خیلی‌ها یک‌نفره هستند در استان‌ها، نه شورای مرکزی نه عضوگیری دارند.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب فعال و	بنابراین حزب به معنای واقعی که به نیروهایش آموزش

Document name	Code	Segment
	دائمی و واقعی در ایران	بدهد و آنها را توانمند کند که بتوانند در آینده قدرت را در دست بگیرند و کیل یا وزیر بشوند، نداریم.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	برای شورای شهر و مجلس چه کسی را می‌خواستند انتخاب کنند.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب واقعی در ایران	
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود آموزش در احزاب	کادرسازی نکردند و نیرو تربیت نکردند.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود آموزش در احزاب برای توانمندسازی زنان	خیلی‌ها خودشان را در لیست اصلاح‌طلب‌ها که تا دوره پیش محبوب بودند، می‌گذاشتند ولی بعد ماهیت‌شان رخ می‌نمود.
مصاحبه شماره ۵	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	خیلی‌ها به دلیل محبوبیت اصلاح‌طلب‌ها در لیست آنها بودند ولی ماهیت‌شان رخ نمود.
مصاحبه شماره ۵	به رسمیت شناختن احزاب برای تقویت	برای برون‌رفت از مشکلات احزاب باید فعالیت‌شان را به رسمیت بشناسیم.
مصاحبه شماره ۵	مشارکت زنان در احزاب عواقب دارد.	نیاید فعالان در احزاب را بازجویی و اذیت کنیم که از فعالیت پشیمان شوند.
مصاحبه شماره ۵	موانع حضور بیشتر زنان در احزاب	
مصاحبه شماره ۵	تضارب آراء سبب تقویت احزاب	باید اجازه بدهیم برخورد و تضارب آراء در احزاب وجود داشته باشد.
مصاحبه شماره ۵	گرایش‌های سیاسی سبب رشد جامعه	اجازه بدهیم تفکرهای متفاوت وارد شورا و مجلس شوند.
مصاحبه شماره ۵	گرایش‌های سیاسی سبب رشد جامعه	این‌طوری فقط یک تفکر خاص بالا می‌رود و چقدر با هم درگیر هستند.
مصاحبه شماره ۵	گرایش‌های سیاسی سبب رشد جامعه	وقتی همه رد صلاحیت شدند، تمایل برای مشارکت کم می‌شود.
مصاحبه شماره ۵	گرایش‌های سیاسی سبب رشد جامعه	در کرج رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلب‌ها بود که حالا تخصصی بود.
مصاحبه شماره ۵	گرایش‌های سیاسی سبب رشد جامعه	برای تأیید صلاحیت‌ها چقدر سختگیری شد و آدم‌ها را از بیخ و بن می‌زدند.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود احزاب فعال و دائمی	سی‌چهل حزب داریم که شناسنامه و هویت و مجوز دارند.
مصاحبه شماره ۶	پراکندگی احزاب بعد از پایان انتخابات	
مصاحبه شماره ۶	عدم آموزش برای کار داوطلبانه زنان	هدف حزب که مشارکت‌پذیری و آموزش سیاسی است ندارند.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	به‌لحاظ حمایت‌های دولتی خیلی حمایت دولتی از احزاب نداشتیم.

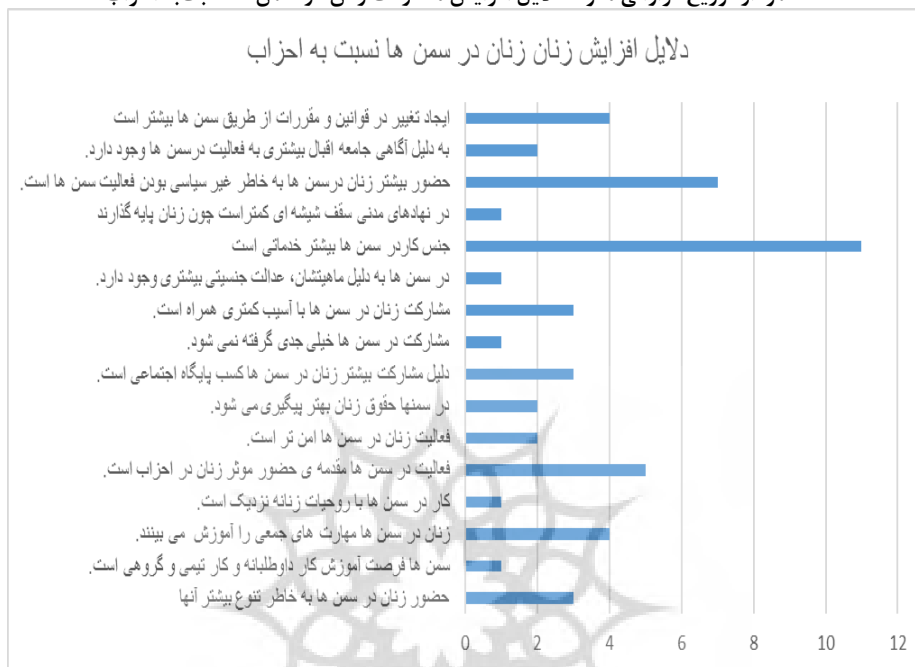
Document name	Code	Segment
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	قرار شد اخیراً یارانه‌هایی به احزاب سیاسی تعلق گیرد؛ اما در حد شعار بود.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	بودجه کم است و چارچوب‌ها و شرایط شامل همه احزاب نمی‌شود.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	بعد هم کمکشان به احزاب ناچیز است.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	حمایت از احزاب به لحاظ حاکمیتی و دولتی محسوس و قابل توجه نیست.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی از دلایل عمر کوتاه تشکلهای غیردولتی	اینکه خود احزاب آن‌طور که در اساسنامه‌شون هست یک پشتوانه اقتصادی توسط خیرین یا حق عضویت‌هاشون داشته باشند بهتر فعالیت می‌کنند.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	اگر احزاب خودشان فعالیت اقتصادی راه‌اندازی کرده باشند، به نفعشان است.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	در بحث امکانات یا سازوکارهای قانونی امکانات موردنیاز حمایتی وجود ندارد.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	در انتخابات کمک‌های زیادی دیده می‌شود. اما بعد از انتخابات تمام می‌شود.
مصاحبه شماره ۶	فعالیت احزاب در هنگام انتخابات	نامزدها و رؤسای جمهور در تبلیغاتشان استفاده ایزاری دارند از خانم‌ها.
مصاحبه شماره ۶	فعالیت احزاب در هنگام انتخابات	وعده‌هایی داده می‌شود که بعد از اینکه به قدرت می‌رسند فراموش می‌کنند.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	دادن امکانات به تشکلهای زنانه مؤثر است در پایداری احزاب و تشکل‌ها.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	جمعیت و کانون زیاد هست اما هیچ‌گونه امکاناتی برای زنان نمی‌بینیم.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی از دلایل عمر کوتاه تشکلهای غیردولتی	اگر همه قبول دارند که انقلاب اسلامی راه مشارکت خانم‌ها را باز گذاشته و در اندیشه هر دو رهبر انقلاب بزرگوار هست، پس باید امکانات هم بگذارند.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی از دلایل عمر کوتاه تشکلهای غیردولتی	فعالیت عضوگیری و هدایت فکری سیاسی، اعتقادی نیاز به پشتیبانی مالی دارد.
مصاحبه شماره ۶	عدم وجود منابع مالی و عمر کوتاه سمن‌ها	اگر تخصیص امکانات برای زنان عادلانه باشد، مشارکت بیشتر می‌شود.

ساماندهی بصری داده‌های مقوله عوامل افزایش زنان در سمن‌ها نسبت به احزاب

عوامل افزایش مشارکت زنان در سمن‌ها نسبت به احزاب	
تعداد تکرار کدها	کدها
۳	حضور زنان در سمن‌ها به‌خاطر تنوع بیشتر آنها
۱	سمن‌ها فرصت آموزش کار داوطلبانه و کار تیمی و گروهی است.
۴	زنان در سمن‌ها مهارت‌های جمعی را آموزش می‌بینند.
۱	کار در سمن‌ها به روحیات زنانه نزدیک است.
۵	فعالیت در سمن‌ها مقدمه حضور مؤثر زنان در احزاب است.
۲	فعالیت زنان در سمن‌ها امن‌تر است.
۲	در سمن‌ها حقوق زنان بهتر پیگیری می‌شود.
۳	دلیل مشارکت بیشتر زنان در سمن‌ها کسب پایگاه اجتماعی است.
۱	مشارکت در سمن‌ها خیلی جدی گرفته نمی‌شود.
۳	مشارکت زنان در سمن‌ها با آسیب کمتری همراه است.
۱	در سمن‌ها به‌دلیل ماهیتشان، عدالت جنسیتی بیشتری وجود دارد.
۱۱	جنس‌کار در سمن‌ها بیشتر خدماتی است.
۱	در نهادهای مدنی سقف شیشه‌ای کمتر است؛ چون زنان پایه‌گذارند.
۷	حضور بیشتر زنان در سمن‌ها به‌دلیل غیرسیاسی بودن فعالیت سمن‌ها است.
۲	به‌دلیل آگاهی جامعه اقبال بیشتری به فعالیت در سمن‌ها وجود دارد.
۴	ایجاد تغییر در قوانین و مقررات از طریق سمن‌ها بیشتر است.

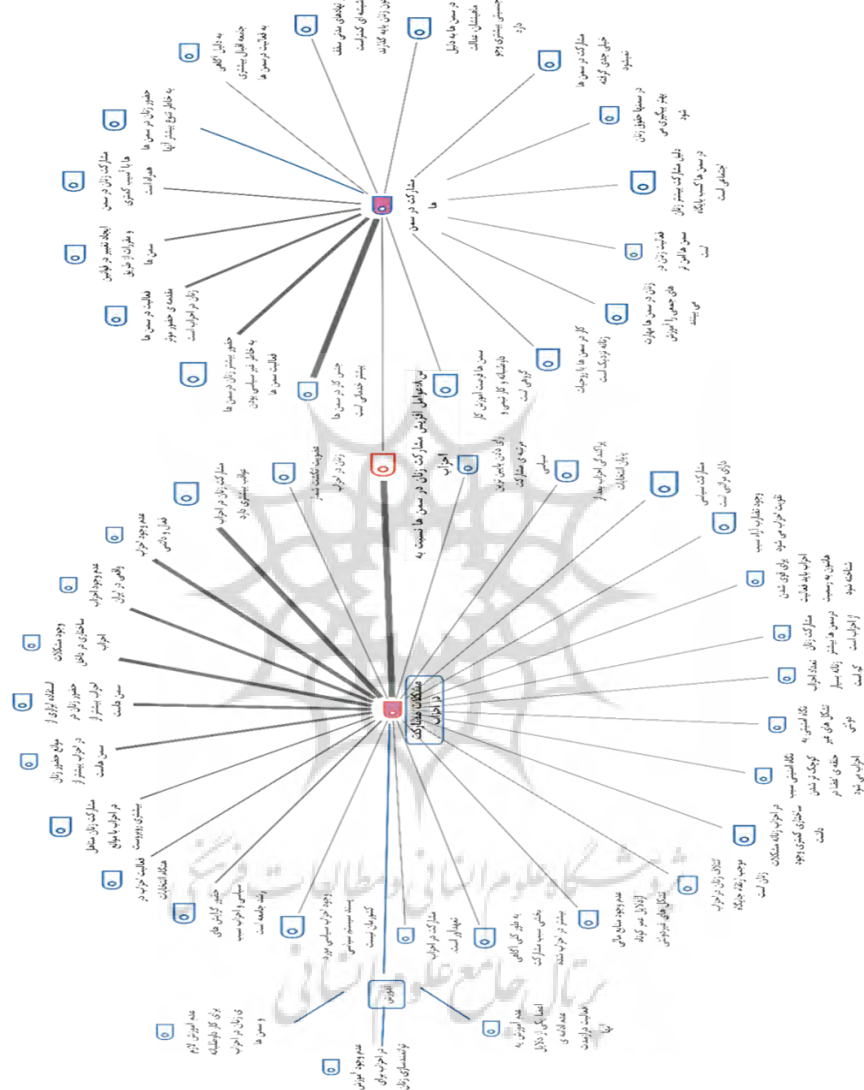
بررسی داده‌های مقوله‌بندی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زنان گرایش بیشتری به مشارکت در سمن‌ها دارند. دلایل فراوانی برای این موضوع مطرح شد؛ از جمله مهم‌ترین آنها این که جنس کار در سمن‌ها بیشتر خدماتی است و زنان تمایل دارند از طریق این اقدامات به هم‌نوعان خویش کمک کنند. زنان از فعالیت در احزاب گریزان هستند و دلیل اصلی آن سیاسی بودن این نوع فعالیت‌هاست. زنان و خانواده‌هایشان محیط امن‌تر سمن‌ها را ترجیح می‌دهند. درعین حال بسیاری از زنان نیز معتقدند حضور زنان در سمن‌ها می‌تواند مقدمه حضور آنان در احزاب باشد. زنان در سمن‌ها کار گروهی را می‌آموزند و با پیگیری اهداف گروه آشنا می‌شوند. در سمن‌ها زنان آموزش می‌بینند که اهداف گروه و جمع بر اهداف فرد ارجحیت دارد و برای رسیدن به آن تلاش خواهند کرد. آنها نحوه ورود به کارهای داوطلبانه را می‌آموزند و فرصت خوبی برای حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی خواهند داشت. در سال‌های اخیر با توجه به بالا رفتن دانش عمومی در خصوص فعالیت‌های اجتماعی، خانواده‌ها اقبال بیشتری برای مشارکت زنان در سمن‌ها نشان می‌دهند.

نمودار توزیع فراوانی مقوله دلایل افزایش مشارکت زنان در سمن‌ها نسبت به احزاب



نمودار توزیع فراوانی مقوله‌بندی داده‌های پرسش پژوهش نشان می‌دهد که از نظر مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین عواملی که سبب کاهش مشارکت زنان در احزاب نسبت به سمن‌ها شده است، ماهیت ذاتی احزاب است. آنان معتقدند فعالیت در احزاب بیشتر سیاسی است و زنان بستر مناسب‌تری برای فعالیت اجتماعی در سمن‌ها دارند. اهداف خیرخواهانه در سازمان‌های مردم‌نهاد، تعهد اجتماعی ایجاد می‌کند، و شوق خدمت به اجتماع، فقرا، گروه‌های آسیب‌پذیر و رفع مشکلات زیست‌محیطی و از همه مهم‌تر استقبال اعضای خانواده، به‌خصوص همسران و پدران، به این‌گونه فعالیت‌ها، از دلایل مهم افزایش مشارکت زنان در سمن‌هاست. از طرفی حضور زنان در سمن‌ها می‌تواند موجب آموزش و مقدمه‌ای برای حضور در احزاب باشد. زنان در سمن‌ها، مهارت‌های جمعی، تعهد به کار تیمی و داوطلبانه را می‌آموزند و شرایط بهتری برای رشد و ارتقاء داشته و احساس خوشایند مؤثر بودن و توانایی ایجاد تغییر را درک خواهند کرد.

مدل ترسیم مقایسه مشارکت زنان در احزاب و سمن‌ها



در تبیین الگوی ترسیم مشارکت زنان در احزاب و سمن‌ها، آن‌چنان‌که هویداست از نظر مصاحبه‌شوندگان، محدودهٔ دایرهٔ مقوله‌های مربوط به مشکلات موجود مشارکت زنان در احزاب نسبت به سمن‌ها به مراتب بیشتر است. مقوله‌بندی کدهای باز، دلایل آنها را دسته‌بندی کرده است. مقولهٔ

پرهزینه بودن فعالیت سیاسی در احزاب مهم‌ترین دلیل عدم اشتیاق زنان به فعالیت در احزاب است. عامل مهم دیگر عدم وجود آموزش به زنان در احزاب می‌باشد که به سه موضوع مهم آموزشی اشاره دارد:

- ۱- عدم وجود آموزش لازم برای توانمندسازی زنان در عرصه‌های سیاسی
- ۲- عدم وجود آموزش لازم به اعضا برای ماندگاری در حزب
- ۳- عدم وجود آموزش لازم برای کار داوطلبانه

الگوی بالا نشان می‌دهد تعداد مقوله‌هایی که در تأیید وجود موانع مشارکت در احزاب مطرح شده است، نسبت به دلایل رغبت به مشارکت در سمن‌ها فراوانی بیشتری دارد. نتیجه مهم‌تر دقت در مفاهیم مقوله‌ها، وجود نگاه جنسیتی در لایه‌های مختلف جامعه مدنی از جمله جامعه زنان است که مشارکت بی‌رمق زنان را سبب شده است.

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند زنان در این دو دهه نیز مانند گذشته از یک سوی به دلیل محدودیت عرصه مشارکت در حوزه‌هایی نظیر احزاب، و از دیگر سوی به دلیل عدم حساسیت فرهنگی و اخلاقی به فعالیت در تشکل‌های داوطلبانه اجتماعی، جذب فعالیت‌های داوطلبانه شده‌اند. مشارکت در تشکل‌های داوطلبانه به دلایلی که مطرح شد، مسیری امن برای زنان فعال به حساب می‌آمده است؛ زیرا مقاومت جامعه مردسالار در برابر آن حداقلی بوده، و زنان ضمن فعالیت در سمن‌ها موفق به حل مشکلات فراوانی از هم‌جنسان خود و حتی مردان شده‌اند که با حضور در احزاب، به دلیل وجود تبعیض‌های جنسیتی و ماهیت سیاسی، هرگز موفق به انجام آن نمی‌شدند.

نتیجه‌گیری

جایگاه زنان در رهبری سیاسی و مشاغل بالادستی در کشورهای توسعه‌یافته جهان به آرامی در حال پیشرفت است. زنان در این کشورها بالاترین مقام سیاسی کشور را کسب کرده‌اند. کشورمان در دو دهه مورد مطالعه این پژوهش علی‌رغم تمام تلاش‌های زنان، هنوز فاصله زیادی برای کسب جایگاه سیاسی و اجتماعی هم‌ردیف با مردان دارد. به‌رغم حضور بیشتر زنان نسبت به گذشته، هنوز تفاوت‌های پرنرنگی وجود دارد و دستیابی به رأس قدرت برای زنان آرزویی دست‌نیافتنی است. احزاب سیاسی در تمام دنیا دروازه‌بان و یا به تعبیری بهتر، نگهبان دموکراسی هستند. میزان حضور زنان در مجالس قانون‌گذاری و قدرت‌های بالادستی در دولت‌ها با مؤلفه‌های گسترده و متفاوتی تعیین می‌شود. بازتولید مؤلفه‌های موافق با تغییر وضعیت زنان در دولت‌ها همراه با تقویت نهادهای مدنی، وضعیت آنان را بهبود خواهد بخشید. نتایج این پژوهش نشان داد که رفتار دولت‌ها و نوع مواجهه آنها با رویکرد احزاب و سمن‌ها و در تقسیم نقش‌های بالادستی بین زنان و مردان، بسیار تأثیرگذار بوده است. هرگاه سطح نهادسازی و سطح شفافیت در آنها ارتقاء یابد، دستیابی به عدالت جنسیتی نیز سهل‌تر خواهد بود. احزاب سیاسی با طبقه‌بندی و کانال‌بندی نظرات شهروندان (زنان و مردان) از تکثر نظرات کوچک جلوگیری و راه

سیاست‌گذاری را آسان‌تر خواهند کرد. احزاب سیاسی در صورتی به وظیفه اصلی خود رسیده‌اند که به‌عنوان یک نهاد سیاسی حقوق‌شان تضمین شود؛ حقوقی مانند آزادی اجتماعات یا آزادی بیان. از طرفی، در درون احزاب نیز باید اصل خودتنظیمی رعایت شود؛ یعنی قواعد حاکم در درون احزاب منصفانه باشد تا به حکمرانی منصفانه و کارآمد منتهی گردد.

نتایج مقوله‌بندی‌ها به‌صراحت وجود تبعیض جنسیتی را در به‌کارگیری زنان در شوراهای مرکزی احزاب نشان داد. عدم به‌کارگیری زنان در پست‌های بالادستی احزاب یکی از دلایل حضور پرننگ‌تر زنان در سمن‌هاست. قانون‌گذاری حاکم بر احزاب سیاسی می‌تواند موجب تبعیض علیه زنان باشد. اگر در درون احزاب مقرراتی وضع گردد که زنان نتوانند آن را اجرا کنند و فرصت لازم برای دستیابی به قدرت را از آنان سلب کند، به‌مثابه تبعیض علیه زنان است. مثلاً اگر شرط انتخاب در شورای مرکزی یک حزب، سابقه عضویت یا سابقه کار در آن زمینه باشد، برای زنان که فرصت برابر با مردان را نداشته‌اند مصداق بی‌عدالتی جنسیتی است. مطالعات نشان داد که در خود احزاب نیز نیاز به تغییرات اساسی علیه تبعیض داریم. در فرآیندی صحیح و روبه‌رشد در دنیای سیاسی لازم است که احزاب سیاسی را جدای از فضای سیاسی نبینیم. هرچه مشارکت زنان در احزاب بیشتر شود، مشارکت زنان در جامعه تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. اما آنچه مسیر حرکت احزاب در کشورمان را تعیین می‌کند، معیاری فایده‌گرایانه است. مثلاً اگر مشارکت زنان احتمال موفقیت حزب را بیشتر کند، باید تعداد زنان بیشتری را جذب کرد. در اینجا مباحث حقوق بشری به نفع زنان مطرح نیست. گفتمان حاکم با موضوع تبعیض مثبت یا عدالت جبرانی زاویه دارد، اما در مناسباتی که قرار است حضور زنان منجر به قدرت رسیدن رهبران سیاسی باشد ممکن است که به‌کار گرفته شوند.

آنچه مسلم است، احزاب سیاسی به معنای واقعی می‌توانند از مشارکت زنان بهره‌مند شوند. مشارکت زنان در یک حزب مفید خواهد بود؛ چراکه تصویر عمومی آن حزب بهبود خواهد یافت. مشارکت زنان منجر به سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری همه‌جانبه در زوایای گوناگون خواهد بود. حضور زنان، راهبردهای انتخاباتی را بهبود خواهد بخشید؛ یعنی تعداد کاندیداهای متنوع منجر به شرکت علایق و سلاقی متفاوت خواهد بود و سبب افزایش تعداد رأی‌دهندگان خواهد شد. به‌ویژه زمانی که رهبران احزاب سیاسی را زنان تشکیل دهند، آثار مثبتی برای رأی‌دهندگان هر دو جنس خواهد داشت. اعتماد عمومی به سیستم سیاسی افزایش پیدا کرده و مسائل مهمی چون آموزش، بهداشت، سلامت و دسترسی به عدالت که دغدغه جمعیت زنان است، در برنامه سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار خواهد گرفت. این امر از نظر اقتصادی نیز کارآمد خواهد بود؛ چون زنان تمایل دارند درآمد خود را صرف آموزش و سلامت کودکان نمایند. در نهایت استفاده گسترده از ظرفیت مشارکت زنان سبب فهم بهتری از مسائل مرتبط با برابری جنسیتی در جامعه می‌شود. به هر روی، هم برای دیدگاه‌های فایده‌نگر و هم دیدگاه‌های عدالت‌محور مشارکت زنان در احزاب مفید خواهد بود.

با همه این اوصاف اما در ایران، احزاب سیاسی واقعی به‌دلیل عدم حمایت حاکمیت از آنها، وجود

ندارد. در قانون اساسی کشورمان نیز به دلیل استنباط از شریعت، موضوع برابری زنان و مردان مطرح نمی‌باشد؛ به این دلیل پیوستن به بعضی کنوانسیون‌ها به دلیل مغایرت با شریعت امکان‌پذیر نیست. به همین روی می‌توان با رویکرد فمینیسم اسلامی به دنبال خوانشی جدید از کتاب مقدس بود تا مغایرت موجود مرتفع شود. فمینیسم اسلامی معتقد است که خوانش مردانه از قرآن در طول این سال‌ها منجر به سلطه بلامنازعه مردان بر زنان شده است و این در حالی است که فرامین اسلامی با آنچه اکنون حکم فرماست، تفاوت‌های بنیادین دارد. این تفکر با وجود طرفداران بسیار، در کشورمان موردپسند گروهی از اسلام‌گرایان نیست. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که جامعه زنان ایرانی بعد از انقلاب اسلامی، ضمن داشتن ظرفیت‌های فراوان در جهت عاملیت‌شان و با وجود موفقیت‌های بسیار، هم‌چنان با ایده‌آل‌های یک جامعه پویا، فراگیر و به دور از تبعیض‌های جنسیتی فاصله دارد. زنان کشورمان به دنبال ایجاد جامعه‌ای آرمانی، تحقق آرزوهای ازدست‌رفته خود در احزاب راه، در فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد دیده‌اند. نتایج حاصل از داده‌های پژوهش نشان داد که به زعم زنان تأثیرگذار در حیطه احزاب و سمن‌ها، علاقه زنان به مشارکت در سمن‌ها برای دستیابی به حداقل حقوق ازدست‌رفته خود در احزاب است. البته این اشتیاق را می‌توان به فال نیک گرفت؛ چراکه مشارکت در نهادهای مدنی مانند انواع سمن‌ها می‌تواند تمرینی برای حضور آگاهانه‌تر و داوطلبانه‌تر زنان در احزاب و مسئولیت‌های سیاسی بالادستی باشد.

منابع

- [۱] قرآن مجید
- [۲] احمدوند، ولی محمد و خراسانی، رضا (۱۳۹۶). «امکان‌سنجی تحزب در جمهوری اسلامی ایران». *سیاست متعالیه*، (۱۷): ۱۳۷-۱۵۴.
- [۳] پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ دستوری، مؤگان و ابراهیمی، سودابه (۱۳۸۵). «تحلیلی بر میزان مشارکت زنان در تشکل‌های سیاسی». *پژوهش زنان*، (۱): ۷-۲۸.
- [۴] چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۳). «رویارویی ایرانیان با فمینیسم ایرانی تا فمینیسم اسلامی». *معرفت*، (۱۹۹): ۳۱-۴۸.
- [۵] حسین‌زاده، ابوالحسین و عباسیان، حسین (۱۳۹۴). «نقد و بررسی مبانی فکری و شاخصه‌های فمینیسم اسلامی». *انسان پژوهی دینی*، (۳۴): ۲۰۷-۲۲۸.
- [۶] خلیلی، محسن (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران». *پژوهش زنان*، (۲): ۵: ۳.
- [۷] شاهسوند، پریچهر (۱۳۸۰). «بررسی مقایسه‌ای مشارکت زنان در امور مدنی - سیاسی کشورهای مختلف». *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، (۱۶۳ و ۱۶۴): ۱۵۶-۱۶۵.
- [۸] شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۷۹). *جریان‌های دفاع از حقوق زنان در ایران*، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- [۹] شهیدیان، حامد (۱۳۷۷). «فمینیسم اسلامی و جنبش زنان ایران». *ایران‌نامه* (۶۴): ۶۱۱-۶۴۰.
- [۱۰] عالی‌زاد، اسماعیل و پناهی، محمدحسین؛ (زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴). «تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر

- مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی». علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی) - (۲۸ و ۲۹): ۸۹ - ۱۳۲.
- [۱۱] عباس‌نیا، اکرم و مصفا، نسرین (۱۳۹۰). «مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه توانمندسازی زنان در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۴ مطالعه کمی». *تحقیقات زنان*، (۱): ۵: ۷۶-۹۸.
- [۱۲] فراست‌خواه، مقصود (۱۴۰۰). *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با تأکید بر نظریه برپایه گراندد تئوری GTM)* تهران: آگاه.
- [۱۳] فریدمن، جین (۱۳۸۱). *فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، چاپ دوم، تهران: آشیان.*
- قادرزاده، امید و رضازاده، فاطمه (۱۳۹۸). «مطالعه تجربه زیسته و درک زنان از فعالیت و مشارکت در نهادهای مدنی»، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی* (۱۴): ۶۳ - ۹۶.
- [۱۴] قاسمیپور، فاطمه؛ نصرت خوارزمی، زهره و نصرت خوارزمی، حنا (۱۳۹۹). «کنش فرهنگی زنان پس از انقلاب اسلامی: تحلیل گفتمان مطالبات فمینیسم اسلامی در جمهوری اسلامی ایران» *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، (۴): ۹۳۷ - ۹۶۶.
- [۱۵] کدیور، جمیله، (۱۳۷۵)، زن، تهران: اطلاعات.
- [۱۶] محسنی، رضاعلی؛ خوشفر، غلامرضا؛ بابایی، قربانعلی و ابراهیمی، میترا (۱۳۹۲). «بررسی عامل‌های مؤثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد». *نشریه زن و جامعه*، (۲): ۴: ۱۶۷ - ۱۹۰.
- [۱۷] مسعودنیا، حسین؛ نظری، مینا و محمدی‌فر، نجات (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی حضور زن در قوه مقننه: تحولات قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران». *زن در توسعه و سیاست*، (۴): ۱۱: ۵۷۵-۵۹۴.
- [۱۸] میرخانی، عزت‌السادات؛ شاکری گلپایگانی، طوبی و بدره، محسن (۱۳۹۳). «تطور روش‌شناختی در جریان موسوم به فمینیسم اسلامی». *مطالعات جنسیت و خانواده*، (۳): ۱۶۹ - ۲۰۴.
- [۱۹] میشل، آندره (۱۳۸۳). *جنسیت زنان، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: نیکا.*
- [۲۰] نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، تهران: گستره.*
- [21] Barlas, Asma (2002). *Believing women in Islam, unreading Partrirchal iInterpretions of the Quran*, University of texas press, Austin, United States of America.
- [22] OSCE. (2014). *Handbook On promoting Women's Participation in Political Parties*, OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights.
- [23] <https://moi.ir/1400/7/10> پرتال خبری وزارت کشور آخرین بازدید ۱۰/۷/۱۴۰۰